

Analysis of the phenomenon of time in fiction and thematic studies; Methodological Studies

SaedeH MomayezH

PhD Graduate in Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities,
Ferdowsi University of Mashhad, Iran

¹Seyed Hossein Seyedi

Professor of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi
University of Mashhad, Iran

Abstract

"Time" has an important place in interpretive studies and Quranic sciences; "Time" with titles such as Maki Madani and the order of revelation, has always been at the forefront of interpretive discussions. The category of as Maki Madani actually refers to the Qur'anic time in the form of two general periods, and the order of revelation also examines the Qur'anic time in detail. Despite the importance of time, in the eyes of Qur'anic scholars and its obvious role in Qur'anic studies, research in Arabic-Qur'anic literature has not paid much attention to this issue, and this issue has caused them disruption and challenge.

Representation and re-reading of possible disruptions can persuade future researchers to pay attention to the category of time. This was the motivation that eventually led to the choice of this title. As two important fields of literary studies - Quranic - were extracted randomly and examined in terms of attention and lack of attention to the category of "time". It is worth mentioning that in the present study, meta-analysis and statistical methods have been used.

The results showed; In both fiction and thematic studies, a very low percentage of researchers have paid attention to the category of "time", which has led to shortcomings; The disadvantages observed in fiction studies are: ignoring the innovations of the Qur'anic story, disrupting the implementation of some analytical models, marginalizing the Qur'anic intentions and breaking the Qur'anic model in the analytical model. Thematic studies can also address these challenges: example mining instead of text mining and disruption in some analytical models.

Keywords: Time, Order of revelation, fiction study, thematic study

¹ -Corresponding author. Email: seyedi@um.ac.ir

واکاوی پدیده‌ی زمان در مطالعات داستانی و موضوعی؛ مطالعات روش‌شناسی

(پژوهشی)

سعیده ممیزی (دانش‌آموخته‌ی دکتری زبان و ادبیات عربی گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران)

سیدحسین سیدی (استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

چکیده

"زمان" جایگاه مهمی در مطالعات تفسیری و علوم قرآنی دارد؛ "زمان" با عناوینی همچون مکی-مدنی و ترتیب نزول، همواره در صدر مباحث تفسیری حضور داشته است. مقوله‌ی مکی و مدنی در واقع به زمان قرآنی، در قالب دو دوره‌ی کلی اشاره دارد، ترتیب نزول نیز به صورت جزئی، به بررسی زمان قرآنی می‌پردازد. با وجود اهمیت زمان، در نزد متخصصان علوم قرآنی و نقش بدیهی آن در مطالعات قرآنی، پژوهش‌های ادبیات عربی - قرآنی، توجه زیادی بدین مقوله نداشته‌اند و همین مسئله، موجب خلل و چالش در آنها شده است.

بازنمایی و بازخوانی خلل احتمالی، می‌تواند پژوهشگران آتی را برای توجه به مقوله‌ی زمان، مجاب کند، این انگیزه‌ای بود که در نهایت به انتخاب عنوان مذکور، منجر شد، برای نیل به این مقصود، تعدادی از مقالات حوزه‌ی داستانی و موضوعی - به عنوان دو زمینه‌ی مهم مطالعات ادبی-قرآنی - به صورت تصادفی استخراج و از لحاظ توجه و عدم توجه به مقوله‌ی «زمان» بررسی شدند. شایان ذکر است که در پژوهش حاضر از روش فراتحلیل و آماری استفاده شده است.

نتایج بررسی‌ها نشان داد؛ هم در مطالعات داستانی و هم در مطالعات موضوعی، درصد بسیار پایینی از پژوهشگران به مقوله‌ی «زمان» توجه داشته‌اند که نقص‌هایی را به تبع خود، به همراه آورده است؛ آسیب‌هایی که در مطالعات داستانی، ملاحظه شدند، عبارتند از: نادیده‌انگاری ابداع‌های داستان قرآنی، خلل در اجرای برخی الگوهای تحلیلی، به حاشیه رفتن غرض‌های قرآنی و شکستن الگوی قرآنی در الگوی تحلیلی. در مطالعات موضوعی نیز می‌توان به این چالش‌ها اشاره کرد: مثال‌کاوی بدل از متن‌کاوی و خلل در برخی الگوهای تحلیلی.

کلیدواژه‌ها: زمان، ترتیب نزول، مطالعه داستانی، مطالعه موضوعی.

مقصود از "زمان" در قرآن، روند متن قرآن با ترتیب زمانی است، این مفهومی است که با عناوین مکی - مدنی و ترتیب نزول، از اهمیت ویژه‌ای در علوم قرآنی برخوردار است و در صدر مباحث تفسیری حضور دارد. عنوان مکی - مدنی، ناظر به دو دوره‌ی کلی قرآن است: آیاتی که قبل از هجرت پیامبر از مکه به مدینه نازل شده است و آیاتی که پس از هجرت حضرت نازل شده است. ترتیب نزول نیز به صورت جزئی به زمان نزول سور و آیات می‌پردازد.

با وجود جایگاه "زمان قرآنی" در مطالعات علوم قرآنی و فقه، این مقوله در پژوهش‌های حوزه‌ی ادبیات عربی-قرآنی مورد استناد و توجه نبوده و موجب بروز چالش و خلل در پژوهش‌های مرتبط گشته که ضروری است با مطالعه‌ی فراتحلیلی تبعات عدم توجه به این مقوله، در پژوهش‌ها بازنمایی شود.

بدین منظور مطالعات داستانی و موضوعی به عنوان دو زمینه‌ی موردکاوی و نشریه‌های آموزه‌های قرآنی، پژوهش‌های ادبی-قرآنی، مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی و قیم چاپ سال ۹۷ و ۹۸ به عنوان مفاد موردکاوی انتخاب شدند، تا به صورت مصداقی به چالش‌یابی این آثار از منظر توجه به ترتیب زمانی پرداخته شود. نوشتار حاضر به دنبال پاسخ، به سوالات زیر است:

۱- آیا مقالات موضوعی و داستانی قرآنی، مقوله‌ی ترتیب زمانی را در پژوهش‌های خود اعمال کرده‌اند؟

۲- تبعات و آسیب‌های عدم توجه به مقوله‌ی زمان، در این پژوهش‌ها چگونه بوده است؟

و فرضیه‌های پژوهش، به شرح زیر مطرح است:

۱- به نظر می‌رسد پژوهش‌های موضوعی و داستانی، نقش‌مبنایی برای مقوله‌ی زمان قائل نباشند.

۲- عدم توجه به مقوله‌ی زمان در مطالعات داستانی و موضوعی، تأثیر سلبی بر دقت و شمول پژوهش‌ها گذاشته است.

پژوهشگران با استفاده از روش فراتحلیل و آماری و از گذر مذاقه در مفاد پژوهشی مستخرج، به سوالات مذکور، پاسخ داده است. مقالات مستخرج در دو بخش جداگانه‌ی داستانی و موضوعی بررسی شدند؛ در نهایت ملاحظه شد که بی‌اعتنایی به ترتیب زمانی، نتایج پژوهش‌های داستانی را تحت تأثیر قرار داده است، لذا ذیل چهار آسیب، بدان‌ها پرداخته شد، ولی در مطالعات موضوعی، وضعیت به گونه‌ی دیگری بود و دقت نتایجشان به صورت عام تحت تأثیر نبودند ولی ملاحظات وجود داشت که نیاز به بازنمایی داشت لذا تحت عنوان سه «واکاوی» مورد تحلیل قرار گرفتند.

۱-۱. پیشینه و ضرورت تحقیق

در حوزه‌ی پیشینه‌ی نظری تحقیق می‌توانیم به سه کتاب اشاره کنیم؛

کتاب مفهوم النص از حامد نصر ابوزید؛ زمان نقش مهمی در این کتاب دارد و ابوزید بر اساس جایگاهی که به این مقوله می‌دهد، دیدگاه پژوهشی خود را بنا می‌کند، وی نوعی نقش علی برای آن قائل است که در بخش ادبیات نظری با تفصیل بیشتری بدان پرداخته شده است.

کتاب التصوير الفني فی القرآن از سیدقطب؛ این اثر به عنوان یک مطالعه متنی در قرآن نیز نقش مهمی برای زمان قرآنی قائل است و در مباحث مختلفی از زمان به عنوان ابزار تحلیل استفاده می‌کند و یکی از نمونه‌ی مهم آن مبحث اعجاز است و در بخش ادبیات نظری به تفصیل بدان پرداخته شده است.

کتاب مدخل الی القرآن الکریم از محمد عابد جابری؛ بخش زیادی از این کتاب نیز به مطالعه متنی قرآن کریم اختصاص داده شده است، وی در بخش‌های مختلف کتاب، در باب زمان و ترتیب قرآنی سخن گفته و به‌ویژه در بخش داستان قرآنی، توجه ویژه‌ی خود را به نقش ترتیب زمانی نزول قرآنی معطوف کرده است.

و اما در عرصه مقالات پژوهشی، تعدادی اثر یافتیم که به صورت تطبیقی به تاثیر زمان در متن قرآنی پرداخته‌اند؛

مقاله‌ی "تحلیل انتقادی برخی خاورشناسان درباره‌ی تفاوت چهره ابراهیم و اسماعیل در سور مکی و مدنی" اثر صدیقه ملک‌لو و دیگران، در این مقاله به تحلیل مضمونی سوره‌های مکی و مدنی مرتبط با ابراهیم و اسماعیل پرداخته شده است.

مقاله‌ی "بررسی تطبیقی رویکرد معناشناختی مفسرین و رویکرد زبان‌شناسی شناختی در درک آیات مرتبط با سوره‌های مکی و مدنی" اثر فاطمه دریس و دیگران؛ در این پژوهش کاربرد طرح‌واره‌های تصویری در قرآن کریم و سه شاخص فراوانی، نوع و هدف از کاربست این نظریه در سوره‌های مکی و مدنی، مورد بررسی قرار گرفته و سپس هم‌سویی و عدم هم‌سویی نتایج با دیدگاه مفسرین مورد بررسی قرار گرفته است.

مقاله‌ی "تاثیر بافت زمانی-مکانی بر تحلیل کنش‌گفتار؛ مقایسه فراوانی انواع کنش‌های گفتار در سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم" اثر سیدمحمد حسینی معصوم و دیگران؛ در این مقاله سی صفحه از سوره‌های مکی و سی صفحه از سوره‌های مدنی به صورت تصادفی انتخاب شده و فراوانی پنج‌گانه‌ی کنش‌گفتار هوسرل بررسی شده است.

مقاله‌ی "قاعده تصویرپردازی هنری سیدقطب به تفکیک سوره‌های مکی و مدنی" اثر بتول مشکین‌فام و دیگران؛ در این مقاله با بررسی تطبیقی تصویرپردازی هنری در سوره‌های مکی و مدنی، در نهایت به هماهنگی بین متن و مخاطب دست یافته است و تشریح می‌کند که آیات مکی در پی استوارسازی اندیشه در دل هستند، پس باید از تصاویری بدیع و موثر و لحنی صریح استفاده کنند، ولی هدف آیات مدنی تطبیق این اندیشه‌ها در عمل است، لذا باید دربردارنده تصاویری درازدامن و آرامش‌بخش باشد.

مقاله‌ی "مقارنه‌ی أسلوبیه بین السور المکیه والمدنیه فی تنوع المفردات فی ضوء نظریه‌ی جونسون" اثر فاطمه بهشتی‌پور و دیگران؛ در این مقاله غنای واژگانی در سوره‌های مکی و مدنی به صورت تطبیقی و با نگاه آماری مورد بررسی قرار گرفته است.

مقاله‌ی "التفات عنصری انسجام‌بخش در قرآن" اثر عباس اقبالی و دیگران؛ در این مقاله دو سوره‌ی مکی و دو سوره‌ی مدنی انتخاب شده و از منظر عنصر التفات مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

پژوهش‌های مذکور، به واکاوی نقش زمان در بخشی از متن قرآن پرداخته‌اند ولی هیچ‌یک بر واکاوی پدیده‌ی زمان در مطالعات داستانی و موضوعی متمرکز نبوده‌اند و رویکرد فراتحلیلی نیز ندارند. در این نوشتار، ضمن بررسی مقوله‌ی زمان، با رویکرد فراتحلیلی، به آسیب‌شناسی پژوهش‌ها نیز پرداخته شده است.

۲. ادبیات نظری

پیشتر، اهتمام علما به مباحث مربوط به زمان قرآنی همچون مکی و مدنی، ناشی از انگیزه‌های فقهی و با هدف تفکیک بین آیات ناسخ و منسوخ و عام و مقید بود (ر.ک: جابری، ۲۰۰۶: ۲۴۵/ابوزید، ۲۰۱۴: ۷۶)، تا بتوانند احکام شرعی و فقهی را از متون استنباط کنند، این انگیزه‌ی فقهی در حقیقت و جوهر خود، انگیزه‌ای دلالتی بود، زیرا استخراج حکم از متن فقط با کشف دلالت دقیق متن میسر می‌شد (ابوزید، ۲۰۱۴: ۷۶). در اهمیت زمان و ترتیب قرآنی همین بس که دانشمندان برجسته علوم اسلامی نظیر سیوطی و نیشابوری، کسانی را که به این حوزه اشراف ندارند، از ورود به حوزه‌ی تفسیر قرآن منع کرده‌اند (دریس و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۷).

به مرور نقش مقوله‌ی زمان و ترتیب قرآنی، توسعه یافت و اندیشمندان معاصر، با تأکید بر نقش این مقوله، از جوانب مختلف بدان پرداخته‌اند؛ از نظر ایشان نه تنها متن قرآن در دو دوره‌ی کلی خود (مکی و مدنی) از حیث مضمون و سبک با هم متفاوت هستند، بلکه در ترتیب جزئی نزول خود نیز، دارای ویژگی‌های اختصاصی هستند، که در دایره‌ی زمان نزول، قابل بررسی است.

از بین اندیشمندان معاصر، ابوزید اهتمام زیادی به زمان و تاریخ نزول داشته است و در واقع تعریفی که از جایگاه "زمان نزول متن" دارد، مبنای نگاه پژوهشی وی را تشکیل می‌دهد، از نظر وی، تفاوت‌های مضمونی و سبکی- ساختاری قرآن، بیانگر این است که متن، محصول تعامل با واقعیت تاریخی زنده است (ابوزید، ۲۰۱۴: ۷۵). از نظر وی، متن ابتدا "محصول" (منتج) فرهنگ زمان است و سپس می‌تواند "تولید کننده" (منتج) در فرهنگ باشد (ابوزید، ۲۰۱۴: ج). وی تا بدانجا در اهمیت نقش زمان متن پیش می‌رود که به نوعی رابطه علی و معلولی بین زمان و متن قائل می‌شود. در واقع هماهنگی بین مختصات زمان نزول و مختصات متن را به صورت علی و معلولی تعبیر می‌کند.

"زمان قرآنی" در نزد سید قطب نیز مقوله‌ی بسیار مهمی محسوب می‌شود؛ وی استفاده‌های مختلفی از مقوله‌ی زمان دارد که یکی از استفاده‌های مهم وی در حوزه‌ی اعجاز قرآن هست، وی اعجاز قرآن را در تصویرسازی هنری آن می‌داند و "زمان" ابزار اثبات مدعای اوست؛ نگاه ترتیبی او می‌گوید، سوره‌های ابتدایی از اعجاز تشریعی، غیبی و ...

خالیست، پس مقوله‌ای غیر از اینها، بایستی به عنوان اعجاز قرآن کامل تلقی گردد که شنوندگان را مسحور و بر مؤمن و کافر غالب آید و «إن هذا الا سحر یؤثر» باشد (ر.ک: قطب، ۲۰۰۴: ۱۷-۱۸). وی از این مسیر برای اعجاز تصویری قرآن استدلال می‌کند.

محمد عابد جابری نیز با وجود اینکه معتقد است نمی‌توان با قرآن همانند یک متن معماری ساختارمند بر اساس ترتیب خاصی تعامل کرد (جابری، ۲۰۰۶: ۲۴۳)، ولی بر این موضوع اقرار می‌کند که قرآن یک متن زنده است و هماهنگ با حوادث سیره‌ی نبوی موج‌دار می‌شود (همان، ۲۴۴)، بویژه در بخشی که به داستان‌های قرآنی اختصاص می‌دهد، مجال بیشتری برای زمان و ترتیب قرآنی قائل می‌شود و می‌آورد: قصه‌ی قرآنی به مثابه‌ی آینه‌ای است که دعوت محمدی، خودش را، گذشته و حال و آینده‌اش را از طریق تاریخ مقدس پیامبران ببیند، هماهنگی بین دعوت محمدی و مسیر وجود و تشکیل قرآن، اعتبار و اهمیت بالایی دارد و این هماهنگی به روشن‌ترین شکل از طریق پیگیری پیشرفت قصه‌های قرآنی بر حسب ترتیب نزول متجلی می‌شود (همان: ۲۵۷). اینها نمایی کلی از نگاه اندیشمندان معاصر، به مقوله‌ی زمان در مطالعات قرآنی بود، زین پس به واکاوی حضور این مقوله در مطالعات داستانی و موضوعی پرداخته خواهد شد.

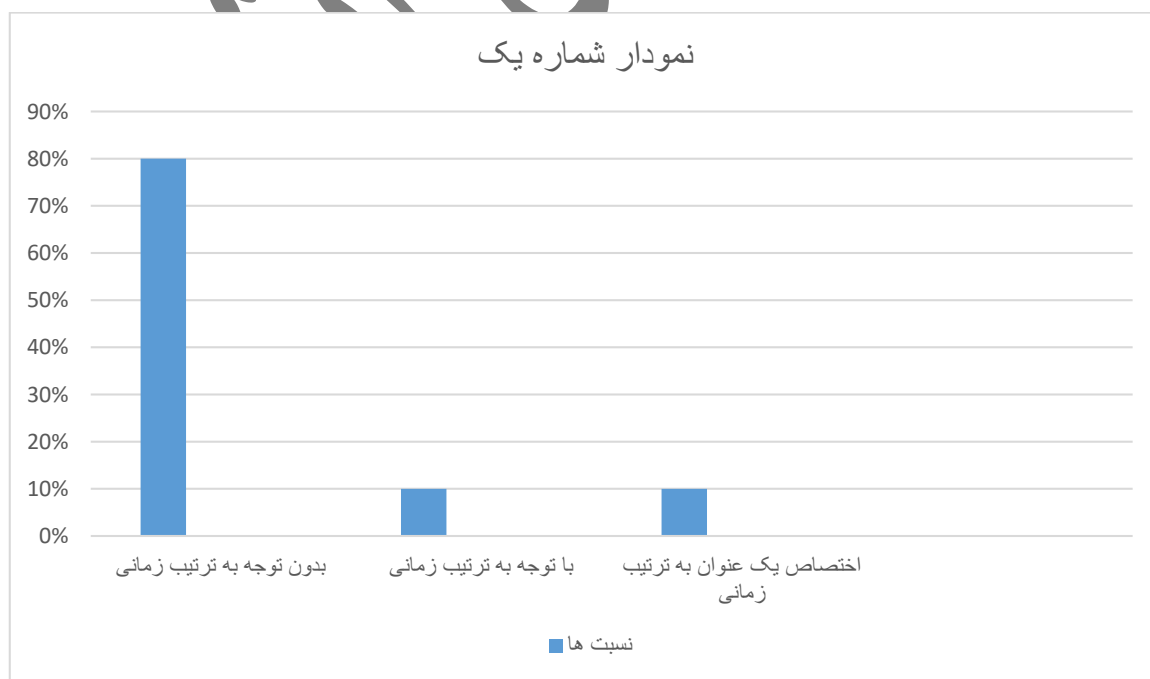
البته پیش از ورود به بحث اصلی لازم است به این سوال پاسخ داده شود که در پژوهش‌ها، از کدام ترتیب نزول استفاده شود؟ اندیشمندان علوم قرآنی و مفسران، روایات به جامانده از ترتیب نزول^۲ را در کنار اجتهاد شخصی خود قرار می‌دهند و هر یک تشخیص خاص خود را دارند (برای مطالعه بیشتر ر.ک: طباطبایی، ۱۳۶۱: ۱۵۷/ عزه دروزه، ۱۳۸۳: ج ۱، ۱۷/ حبنکه الميدانی، ۱۴۲۰: ج ۱، ۱۵۱/ حبنکه الميدانی، ۱۴۳۰: ۱۵۳)، با این حال ذکر دو نکته در اینجا ضروری می‌نماید: اول اینکه هیچکدام از ترتیب‌هایی که مفسران و صاحب‌نظران بدان معتقدند قطعی نیست و خود مفسران بدین امر اقرار دارند (ر.ک: ابوزید، ۲۰۱۴: ۷۶-۸۱ و ۹۵) دوم اینکه ترتیب‌های مختلف، از ترتیب رسمی الأهر گرفته تا ترتیب نولدکه و... تفاوت چشمگیری با هم ندارند (ر.ک: جابری، ۲۰۰۶: ۲۴۰ و ۲۴۳). از همین رو با اینکه اندیشمندی تشخیص خاص خود را دارد ولی در مقام تطبیق، بر اساس ترتیب رسمی الأهر عمل می‌کند (ر.ک: همان، ۲۰۰۶: ۲۶۱-۲۵۷).

۳. زمان در مطالعه‌ی داستان قرآنی

داستان به‌عنوان یک فن مهم ادبی مورد توجه ادیان الهی به‌ویژه قرآن قرار گرفته است (عبدی و سایرین، ۱۳۹۶: ۱۵۷) و یکی از مقوله‌هایی است که توجه پژوهشگران بسیاری را معطوف خود کرده، چارچوب غالب این پژوهش‌ها، بر مبنای قواعد عام تحلیل داستان، تنظیم شده است، لذا ضروری می‌نماید تا با رویکرد فراتحلیل، جوانب مختلف این امر، مورد بررسی قرار گیرد، تا هم‌راستایی آنها با ویژگی‌های خاص قرآن روشن شود. یکی از جوانب امر، به نقش ترتیب زمانی در تحلیل داستان قرآنی برمی‌گردد که در این بخش بدان پرداخته شده است. لیست مقالاتی که داستانی را در کل قرآن بررسی کرده‌اند و در سال‌های ۹۷ و ۹۸ در مجلات آموزه‌های قرآنی، پژوهش‌های ادبی قرآنی، قیم و مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی چاپ شده‌اند، در ذیل آمده است:

نام مجله	عنوان
پژوهش های ادبی-قرآنی	تحلیل داستان های قرآنی بر اساس نظریه کنشی گریماس
پژوهش های ادبی-قرآنی	الگوی شخصیت پردازی داستان های پیامبران الهی در قرآن کریم، بر مبنای دیدگاه ریمون - کنان
پژوهش های ادبی-قرآنی	تحلیل داستان یوسف علیه السلام بر پایه روایت شناسی (با تکیه بر نظریه ژپ لیت ولت)
پژوهش های ادبی-قرآنی	شکل و شیوه های شروع داستان ها در قرآن
پژوهش های ادبی-قرآنی	بررسی فنی «حسن ابتدا»، «براعت استهلال» و «حسن ختام» در قصه های قرآن (موردپژوهانه، داستان حضرت موسی و یوسف علیهما السلام)
آموزه های قرآنی	بررسی تاثیر بلاغت بر انتقال پیام در داستان بنی اسرائیل در قرآن
آموزه های قرآنی	مرزشکنی روایی در روایت های قرآنی
قیم	بررسی ادبی داستان طالوت در قرآن کریم
مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی	گونه های سکوت گفتمانی در قصه مریم سلام الله علیها
مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی	واکاوی کنش عاطفی در داستان های قرآنی با تاکید بر نظریه کنش منظوری سرل

در نمودار زیر نشان داده شده است که چه درصدی از این مقالات، به زمان و ترتیب قرآنی در داستان ها توجه داشته اند:



همانطور که قابل مشاهده است، ۸۰ درصد مقالات بدون توجه به ترتیب زمانی، ۱۰ درصد با توجه به ترتیب زمانی، ۱۰ درصد آخر هم بدون ترتیب زمانی نگاشته شده، ولی با این فرق که در مقاله یک عنوان به ترتیب زمانی اختصاص داده شده است؛ قابل ذکر است، ۱۰ درصدی هم که مقوله‌ی زمان در آن مراعات شده، متعلق به عنوان «تحلیل داستان یوسف علیه السلام بر پایه روایت شناسی» است، که در واقع، داستان از حیث ترتیب نزول و ترتیب مصحف یکسان هستند. با این تفصیل، پیداست که «لحاظ کردن ترتیب زمانی حلقه‌های داستان‌ها» در پیش‌فرض پژوهشگران حوزه‌ی داستان قرآنی وجود ندارد.

نکته‌ی جالب توجه اینجاست که، مرور بر ارجاعات مقالات، نشان می‌دهد که کتاب «التصویر الفنی فی القرآن» سیدقطب و کتاب «دراسات فنیة فی قصص القرآن» محمود بستانی پربسامدترین منابع در پژوهش‌های حوزه‌ی ادبیات داستانی قرآنی هستند. این در حالی است که رویکرد این دو کتاب در حفظ ساختار قرآنی، متفاوت از آن چیزی است که در عموم مقالات این حوزه به چشم می‌خورد؛ سیدقطب در بازیابی ساختار داستان قرآنی، بر توجه به ترتیب زمانی نزول حلقه‌های داستان، تأکید دارد و آن را ضروری می‌شمارد. بستانی هم در شیوه‌ی بحث خود شبیه سیدقطب عمل می‌کند، او نیز مفاد قرآن را در نظام خود قرآن بررسی می‌کند. تفاوت ملحوظ رویکرد این دو اثر با مقالات، می‌تواند کیفیت ارجاع و استناد به آنها را مورد تردید قرار دهد.

با ملاحظه‌ی بی‌توجهی پژوهشگران به مقوله‌ی زمان، تبعات این موضوع مورد واکاوی قرار گرفت و چهار چالش، در این پژوهش‌ها شناسایی شد که در ادامه، بدان‌ها پرداخته می‌شود.

۳-۱. آسیب اول؛ خلل در برخی روش‌های تحلیلی

بررسی مقالات نشان داد، بی‌توجهی به ترتیب زمانی حلقه‌های داستانی، در اجرای برخی از روش‌های پژوهش خلل وارد کرده است. به عنوان نمونه در مقاله‌ی «گونه‌های سکوت گفتمانی در قصه مریم سلام الله علیها» چنین موضوعی پیش آمده است. در این پژوهش به تقدم زمانی حلقه‌های قصه‌ی مریم توجه نشده است و در شرایطی پژوهشگر از سکوت عبارت C سخن می‌گوید که روشن نیست، عبارات A و B مقدم بر آن چه هستند، لذا مرز بین سکوت و حذف به دلیل اجتناب از تکرار مشخص نیست، به عبارت دیگر روشن نیست قسمتی را که پژوهشگر به عنوان سکوت در متن معرفی می‌کند، سکوت است یا به دلیل ذکر در حلقه‌های پیشین که در پژوهش مشخص نیست - مجدد تکرار نشده است.

از دیگر موارد مشابه می‌توان به مقاله‌ی «بررسی فنی «حسن ابتدا»، «براعت استهلال» و «حسن ختام» در قصه‌های قرآن؛ موردپژوهی» اشاره کرد؛ با توجه به عنوان مقاله، انتظار می‌رود، در مقام بررسی براعت استهلال قصه‌ی X در قرآن، به نحوه‌ی آغاز اولین حلقه‌ی آن قصه در قرآن پرداخته شود، این در حالی است که در این پژوهش، اساساً توجه نشده، کدام حلقه اول و کدامین آخر هست، بلکه پژوهشگر، به شیوه‌ی آغاز هر حلقه‌ی داستانی به صورت جداگانه پرداخته است، لذا بهتر می‌بود بجای اینکه عنوان «براعت استهلال و حسن ختام در قصه‌ی موسی (ع)»، از عنوان «براعت استهلال و حسن ختام در حلقه‌های قصه‌ی موسی (ع)» استفاده می‌شد تا رویکرد جزئی پژوهش مشخص باشد و مسیر این نقد مسدود شود.

مهم‌ترین نقضی که به این پژوهش‌ها وارد می‌شود، نادیده گرفتن «قرآن، در ترکیب معجزه است» می‌باشد؛ نادیده گرفتن ساختار خاص قرآن در مقالات مستخرج، به معنای شکستن اجزای آن به تکه‌های کوچکتر است و به همان اندازه، نتیجه‌ی پژوهش، از "ابداع قرآنی" در ترکیب کل، فاصله گرفته است. ابداع در ساختار قرآنی، مقوله‌ای است که خود قرآن همواره در پاسخ به دشمنانش، بدان احتجاج می‌کند.

در بین سخنان مخالفان پیامبر، در همان عصر و نیز آرای مستشرقان معاصر یک حرف مشترک وجود دارد؛ "محمد این قصه‌ها را از یهودیان و نصرانیان و تورات و انجیل گرفته است." این مضمون، به تعبیر مختلف در آثار آمده است (برای مطالعه تفصیلی ر.ک: زمانی، ۱۳۸۷: ۳۲۳-۳۲۴). در مقاله‌ی "اقتباس قصص قرآن از عهدین" و مقاله‌ی "بررسی تطبیقی قصص در قرآن و عهدین"، بر این مبنا که اصول کلی ادیان الهی مشترک است، می‌پذیرد که مضمون کلی کتب الهی نیز مشترک باشد و قصه‌ها هم جزء مضامین مهم و عمده در کتب الهی هستند و در کلیت خود مشابهند.

نظریه شباهت قصص قرآنی با قصص مذکور در عهدین، در اصل به عنوان یک نقص و نقد بر قرآن مطرح شده است (برای مطالعه تفصیلی ر.ک: زمانی، ۱۳۸۷: ۳۲۳-۳۲۴)؛ ولی تعامل و پاسخ قرآن به این نقد مهم است، قرآن نه تنها این موضوع را انکار نمی‌کند، بلکه با ارجاع پیامبر به کتب پیشین، در واقع، وجود شباهت را تصدیق می‌کند: "فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِّمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَاسْأَلِ الَّذِينَ يَقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ" (یونس/۹۴)، پاسخ قرآن نه تنها انکار نبود، بلکه تلویحا آن‌را نیز پذیرفته، پاسخ قرآن، دعوت به تحلی است؛ "أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ..." (یونس/۳۸) شما می‌گویید که محمد این قرآن را افترا می‌بندد و به دروغ به خداوند نسبت می‌دهد، به این معنی که آن را از اهل کتاب نقل می‌کند و به دروغ در نزد شما ادعا می‌کند که قرآن از وی است، پس در این صورت "قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ" (یونس/۳۸)، بیاید هرچه می‌خواهید از تورات نقل کنید و از هر که می‌خواهید کمک بگیرید و سوره‌ای مثل قرآن بیاورید (جابری، ۲۰۰۶: ۴۲۳). به عبارت ساده‌تر، قرآن در برابر آنان که می‌گویند: محمد قرآن را از تورات و انجیل و ... گرفته و به دروغ می‌گوید که خدا به او وحی کرده، پاسخ نمی‌دهد: "نه من از کتب پیشین نیستم" بلکه پاسخ می‌دهد: "مگر نمی‌گویید قرآن همان است که در کتب پیشین آمده؟ شما از همان منابع استفاده کنید از هر کسی هم می‌خواهید استفاده کنید و یک سوره همچون قرآن بیاورید." (همان آیه)

قرآن با این تعبیر، بیان می‌کند که قدرت خاص خود را از گفتمان، اسلوب و ساختار خاص خود می‌گیرد و از این جهت است که کسی توان بازآفرینی آن را ندارد، از همین رو گفته می‌شود، در هم شکستن ساختار قرآنی، منجر به نادیده‌گیری جنبه‌ای از ابداع‌های قرآنی می‌شود، ضمن اینکه یک تفاوت برجسته‌ی سبک قصص قرآنی با قصص کتب پیشین هم، به زمان‌بندی حلقه‌های قصص در قرآن برمی‌گردد. در کتب پیشین، داستان‌ها یکجا و در یک سخن واحد گرد آمده‌اند، ولی قرآن حلقه‌های داستان‌ها را به صورت پراکنده و به مقتضای سیاق‌های مختلف ذکر کرده است و ارتباط حلقه‌های قصه‌ها با سیاق و زمان، موضوع عمیقی است (ر.ک: جابری، ۲۰۰۶: ۴۲۰) و در پژوهش‌های مورد بررسی، با گردآوری بخش‌های مختلف قصص قرآنی، بدون ملاحظه‌ی ترتیب زمانی آنها، در واقع قصص قرآنی از سبک خاص خود دور و به سبک کتب پیشین نزدیک شده است.

۳-۳. آسیب سوم؛ شکستن الگوی قرآنی در قالب الگوی تحلیلی داستانی معاصر

آسیب سومی که با بی‌توجهی به ترتیب و ساختار زمانی قرآنی، در برخی پژوهش‌ها رخ نموده است، فروشکستن نظام و ترکیب قرآنی و فرم دادن آن در ذیل یک الگوی جدید است، بازنمایی تکه‌های قرآنی، در ساختار یک الگوی تحلیلی، موجب می‌شود، نقاط قوت بیان قرآنی، صرفاً در مواردی نمود یابد، که با الگوی مدنظر توافق و تطبیق داشته باشد و گاهی موارد عدم تطابق به مثابه‌ی نقصان یا از دست‌رفتِ مزیتی نگریسته می‌شود. به عنوان مثال در مقاله‌ی «تحلیل داستان یوسف علیه السلام بر پایه روایت شناسی (با تکیه بر نظریه ژپ لیت ولت)»، با تکیه بر یک الگو و روش خاص، روایت‌های قرآنی مورد بازخوانی قرار گرفته است، در بخشی از این مقاله، می‌خوانیم: «الگوی طرح‌های داستان، دارای ساختار کاملی است به جز الگوی اولین طرح داستان که نیروی سامان دهنده ندارد» (اقارب پرست، مطیع، ۱۳۹۷: ۴۸). در این پژوهش، الگوی مورد اشاره در مقایسه با الگوی روایی قرآن مورد تحلیل قرار نگرفته، بلکه این الگو، مبنای ارزیابی قرار گرفته است. اگر پژوهش با رویکرد مقایسه‌ای انجام می‌شد، الگوی روایی قرآن تشریح می‌شد، الگوی مذکور نیز بیان می‌شد، در نهایت جوانب تطابق و تفاوت آن دو با هم روشن می‌گشت، لیکن هدف پژوهش مذکور، پیدا کردن تفاوت‌ها و شباهت‌ها نیست، بلکه به دنبال پاسخ این سوال است که از منظر الگوی روایت‌شناسی ژپ لیت ولت، آیا روش روایی قرآن، کامل هست؟ قرآن، از حیث مبدأ و مقصد و ماهیت، تفاوت بنیادینی با سایر آثار ادبی دارد و فروشکستن آن در قالب‌هایی که ظرف هماهنگ و متناسبی برای آن نیستند، صحیح نیست، صرفاً می‌توان قالب‌ها را با قرآن مقایسه و استنتاج کرد. در آسیب بعدی ملاحظه خواهد شد، که با این رویکرد، غرض قرآنی - به عنوان ظرف داستان قرآنی - چگونه به حاشیه می‌رود.

۳-۴. آسیب چهارم؛ مسلخ غرض قرآنی

چالش بعدی، قربانی کردن غرض‌های کلی قرآن است. پژوهشگران به اتفاق، پذیرفته‌اند که داستان‌ها با غرض دینی در قرآن بکار رفته‌اند و اولین دلیل و نشانه‌ی غرض دینی در داستان‌های قرآنی، زمان‌داری و اقتضابندی و بافتاری خاص حلقه‌های داستان قرآنی است (برای مطالعه‌ی بیشتر ر.ک: قطب، ۲۰۰۴: ۱۴۳ و ۱۵۶) و مرور بر پژوهش‌های مستخرج نشان می‌دهد که عدم توجه به ترتیب زمانی، فهم پژوهشگر از منطق داخلی حاکم بر ارائه داستان‌ها را تضعیف می‌کند، زیرا "زمان"، مبنای اولیه بررسی داستان قرآنی، "همانگونه که هست" است.

تلاش برای تغییر چینش داستان قرآنی و تحمیل ساختاری جدید به آن، به کنار نهادن غرض اصلی قرآن است. پژوهشگران حوزه‌ی داستانی در قرآن، باید مدنظر داشته باشند که پیرنگ و خط روند داستان‌ها در قرآن، بر محور زمان اقتضایی شکل گرفته است؛ به این معنا که روند شکل‌گیری داستان‌ها در قرآن بر مبنای اقتضای زمان نزول بوده و "داستان‌ها در قرآن مکی" و نیز "داستان‌ها در قرآن مدنی" حایز مشخصه‌های مختص خود هستند که با زمان و غرض نزول هماهنگ است و نباید آن را نادیده گرفت (برای مطالعه‌ی بیشتر ر.ک: جابری، ۲۰۰۶: ۲۶۳-۴۱۷). در حالی که این مطالب به گوش عموم پژوهشگران قرآنی آشناست، ولی نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اغلب پژوهش‌ها بدین جنبه، توجهی نداشته‌اند و بالتبع جوانب دلالتی آن نیز مغفول مانده است.

این نقص در برخی عناوین مرتبط با غرض‌یابی، بیشتر رخ‌نمایی می‌کند، به عنوان نمونه می‌توان به مقاله‌ی «واکاوی کنش عاطفی در داستان‌های قرآنی با تاکید بر نظریه کنش منظوری سرل» اشاره کرد. در بخشی از همین مقاله، به خوبی ارتباط عنوان با غرض‌یابی نشان داده شده است، نویسنده آورده: درک لایه‌های معنایی پنهان کلام، شناخت اهداف مورد نظر و کشف عوامل تاثیرگذار بر شکل‌گیری گفتمان، در قالب کنشی صورت می‌گیرد (محمدی، سرخی، ۱۳۹۸: ۱۲۰). در جای دیگری نیز می‌آورد: کنش عاطفی شامل گفتاری می‌شود که دیدگاه یا حالت روانشناختی گوینده را بیان می‌کند و جریان هیجانی-عاطفی سبب شکل‌گیری عملیات یا جریان کنشی می‌شود (همان: ۱۲۱). با نگاه جزئی، تک به تک و مثال محور، چگونه لایه‌ی پنهان، اهداف کلی، عوامل تاثیرگذار بر شکل‌گیری جزءها در گفتمان، حالت روانشناختی به عنوان علت معلول‌های جزئی متن و جریان عاطفی به مثابه‌ی نخ تسبیح، روشن می‌شود؟ طبیعتاً روشن نمی‌شود و در این مقاله، عموماً به تبیین کنش‌های عاطفی و تاثیرگذار در جزءها توجه شده و به تبیین همان‌ها اکتفا شده است و اهداف کلی در سایه باقی مانده‌اند.

اصولاً هدف از چنین عناوینی، روشن کردن این موضوع است که قرآن با هدف یک مقوله‌ی غیر بیانی (اینجا کنش عاطفی و تاثیری)، چگونه بیان را بکار بسته است و چون بیان مرحله به مرحله توسعه می‌یابد، بر این مبنا، اولین قدم این است که مراحل ساختاری «بیان» مشخص شود، زان پس از حیث تاثیربرانگیزی و کنش عاطفی مورد تحلیل و بررسی قرار بگیرد. در بخشی از خود مقاله نیز آمده: "فرآیند عاطفی، فرآیند پیچیده‌ای است که زبان‌شناسی کاربردی گفتمان به مطالعه نظام‌مند آن می‌پردازد." مطالعه نظام‌مند بدون توجه به نقطه‌ی آغاز و میانه و پایان، چگونه امکان‌پذیر است؟ بدون روشن ساختن پیش و پس و ترتیب شکل‌گیری بیان، چگونه می‌توان از نحوه‌ی تاثیرگذاری و جلب عاطفی متن، سخن راند؟

عدم توجه به ترتیب زمانی حلقه‌های داستانی در قرآن را می‌توان به مثابه‌ی حذف فلش‌بک‌ها در داستان‌های دیگر دید. اگر نویسنده، روایت خود را از نقطه‌ی پایان، آغاز کند و پژوهشگر در مقام تحلیل، اجزا را جابجا کند، دیگر از هنر و غرض و خلاقیت نویسنده چه باقی می‌ماند؟ این موضوع بدیهی، متأسفانه در پژوهش‌های قرآنی مورد بی‌مهری قرار گرفته است. اگر پژوهشگران بر ترتیب وقایع اصرار دارند، باید مواردی را برای بررسی انتخاب نمایند که خودبه‌خود حلقه‌های داستان قرآنی در کنار هم گرد آمده و به صورت نسبی، یک چارچوب معمول داستانی، شکل داده‌اند مانند: داستان حضرت یوسف علیه السلام در سوره یوسف؛ این داستان در این سوره سه ویژگی دارد: اول اینکه این داستان کل سوره را دربرگرفته است. دوم اینکه این سوره به یکباره نازل شده است و سوم اینکه مضمون داستان در این سوره، با آنچه در تورات آمده، تطابق دارد^۱ (ر.ک: جابری، ۲۰۰۶: ۶۶۹-۶۷۰). لذا این امکان فراهم می‌شود که تا حد زیادی با شیوه‌ی معمول مورد تحلیل قرار گیرد و گزینه‌ی بهتری برای مطالعه‌ی تطبیقی است.

علاوه بر نکته‌ی فوق، اگر بجای اصرار بر تطبیق ساختار معمول داستانی بر قرآن، قرآن، فراهم‌نار دیده و بررسی شود، چه اتفاقی می‌افتد؟ به عنوان مثال پژوهش‌ها به دنبال پاسخ به چنین سوال‌هایی باشند: ساختار نامعمول یا کم‌عنصر در حلقه‌ی داستانی X، چه ره‌آوردی دارد؟ به عنوان مثال چرا حلقه‌ی داستانی X از عناصر داستانی A و B استفاده کرده است؟ کارکرد این عناصر در این حلقه، با کارکرد معمول این عناصر منطبق هست؟ این عناصر، در بافتار خاص حلقه‌ی

X تجلی دیگری دارند؟ و مواردی از این دست که از دانش نقد و تحلیل داستانی استفاده می‌کند ولی آن را در ذیل ساختار اختصاصی قرآن، بکار می‌گیرد.

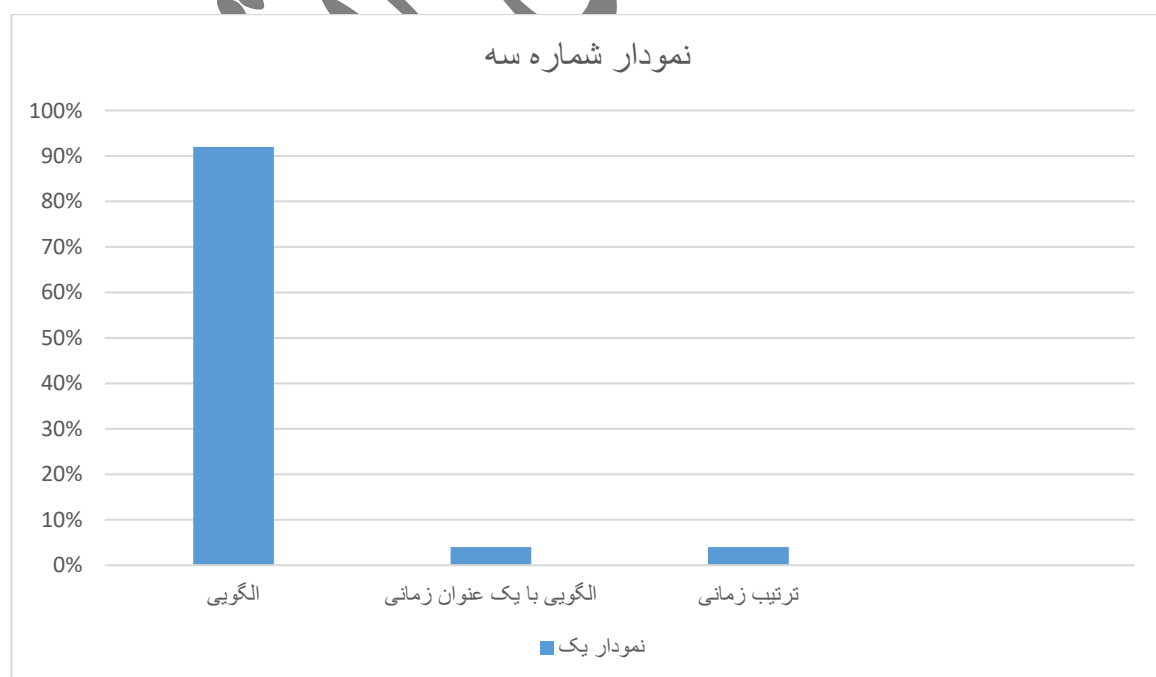
۴. زمان در مطالعات موضوعی قرآنی

امروزه، مطالعه موضوعی در قرآن به یکی از رویکردهای متداول در مطالعات قرآنی بدل گشته و سخن در باب آن بسیار رفته، در اینجا نیز به پدیده‌ی زمان، در این رویکرد مطالعاتی پرداخته خواهد شد. لیست مقالاتی که طی سالهای ۹۷ و ۹۸ در نشریات آموزه‌های قرآنی، پژوهش‌های ادبی قرآنی، قیم و مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی چاپ شده‌اند و موضوعی را در کل قرآن مورد بررسی قرار داده‌اند، در جدول زیر گردآوری شده‌اند:

نام مجله	عنوان مقاله
آموزه‌های قرآنی	جنس حروف قرآن و ارتباط آن با معنا
آموزه‌های قرآنی	بررسی شبکه معنایی حرف جر «علی» در قرآن با رویکرد شناختی
ادبی-قرآنی	تحلیل زبان‌شناختی واژه‌های «حمد» و «شکر» در آیات قرآن کریم بر پایه الگوی ارتباطی یاکوبسن و رده‌بندی کولماس
ادبی-قرآنی	بررسی سبک قرآن کریم در چینش ثابت واژگان
ادبی-قرآنی	کارگفت‌های ترغیبی در قرآن کریم
ادبی-قرآنی	توسیع و استعاره در روند تحول معنایی واژگان قرآن کریم (با تاکید بر آراء علامه طباطبایی)
ادبی-قرآنی	معناشناسی واژه «عذاب» در قرآن کریم با تکیه بر روابط هم‌نشینی و جانشینی
ادبی-قرآنی	بازکاوی آرایه‌ی مشکله و نقش شناخت آن در تفسیر قرآن
ادبی-قرآنی	تحلیل مبانی زبان تمثیلی قرآن
ادبی-قرآنی	بررسی زبان‌شناختی روش کاربست مترادف در قرآن؛ با محوریت آراء علامه طباطبایی
ادبی-قرآنی	بررسی تطبیقی رویکرد معناشناختی مفسرین و رویکرد زبان‌شناسی شناختی در درک آیات مرتبط با سوره‌های مکی و مدنی
ادبی-قرآنی	بررسی آیات تحدی بر اساس نظریه‌ی تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلایف
ادبی-قرآنی	بررسی کاربست عوامل هفتگانه متناواری دی‌بو گراند در توسعه‌ی دلالتی در قرآن کریم
ادبی-قرآنی	بررسی و تحلیل صنعت تشخیص در قرآن کریم
قیم	پی‌جویی مؤلفه‌های مفهوم جهانی حکمت در مفهوم قرآن آن
قیم	رفتارسازی زبان؛ رویکردی قرآنی
مطالعات قرآنی	بررسی آموزه‌ی تحدی قرآن با حوزه‌ی مطالعات نشانه‌شناسی متن

مطالعات قرآنی	تطور معنایی واژه «نفس» و رویکرد علامه به این واژه در قرآن
مطالعات قرآنی	تحلیل شناختی استعاره‌های مفهومی حرکت در قرآن کریم
مطالعات قرآنی	کارکرد قلب در قرآن کریم
مطالعات قرآنی	نشانه‌شناسی گفتمان ظن در قرآن کریم با تکیه بر الگوی مربع حقیقت‌نمایی
مطالعات قرآنی	کاربست‌های تاریخ در قرآن کریم
مطالعات قرآنی	بازخوانی مفهوم «القیامه» در پرتو مطالعات شناختی و تاریخی
مطالعات قرآنی	بررسی استعاره جهتی واژه حیوة در قرآن، بر اساس نظریه‌ی استعاره‌ی مفهومی
مطالعات قرآنی	فرایندشناسی شگرد ادبی «تهکم» و نقش شناخت آن در تفسیر قرآن

بررسی مقالات استخراج شده، میزان توجه به ترتیب زمانی در آنها را به ترتیب زیر نشان می‌دهد:



همانطور که در نمودار بالا ترسیم گشته، مقالات از حیث توجه زمانی، به سه دسته تقسیم شده‌اند؛ دسته‌ی اول که ۹۲ درصد از مقالات مستخرج را شامل می‌شود، اعتنایی به ترتیب زمانی نداشته و صرفاً بر مبنای الگویی^۹ معین، تألیف شده‌اند. دسته‌ی دوم که شامل ۴ درصد پژوهش‌ها می‌شود، یک بخش از مقاله را به ترتیب زمانی آیات اختصاص داده‌اند ولی سایر بخش‌ها با شیوه‌ی الگویی نگاشته شده است. دسته‌ی سوم هم که شامل ۴ درصد آخر می‌شود، بر اساس ترتیب زمانی تألیف شده‌اند، البته لازم به ذکر است دسته‌ی آخر، در عنوان خود قید زمانی همچون "مکی و مدنی" دارند؛ مثل «بررسی تطبیقی رویکرد معناشناختی مفسرین و رویکرد زبان‌شناسی شناختی در درک آیات مرتبط با سوره‌های مکی و مدنی».

اولین نتیجه‌ای که از ملاحظه‌ی این اعداد روشن می‌شود، این است که در پیش‌فرض پژوهشگران مطالعات موضوعی قرآنی، زمان نقش مبنایی ندارد، بلکه ساختارهای الگویی-ذهنی جایگاه اصلی را به خود اختصاص داده‌اند. با این حال، تبعات بی‌توجهی به مقوله‌ی زمان در مطالعات موضوعی، عموماً تأثیر مبنایی ایجاد نمی‌کند و مانند مطالعات داستانی، صحت نتیجه را تحت الشعاع قرار نمی‌دهد، با این حال ملاحظاتی در این حوزه وجود دارد که در قالب کاوش‌هایی در ادامه بیان می‌شود.

۴-۱. واکاوی اول؛ زمان یکی از مراحل یا ابزارهاست نه یک ابزار موازی با سایرین

نتایج بررسی مقالات می‌گوید، تلقی عمومی پژوهشگران این است که مطالعه‌ی موضوعی در قرآن، رویکردی با روش‌های مختلف هست و مطالعه بر اساس "زمان و ترتیب نزول" نیز، یکی از این روش‌هاست. این در حالی است که تأمل روش‌شناسانه، این تلقی عمومی را تأیید نمی‌کند، در حوزه‌ی روش‌شناسی تحقیق، وقتی سخن از مطالعه‌ی یک پدیده با روش‌های مختلف، به میان می‌آید، در واقع این واقعیت را بیان می‌کند که روش‌ها "موازی" هم قرار دارند و نتیجه‌ای که از روش A به دست می‌آید، نتیجه‌ی روش B را تقویت یا تضعیف کند، به عبارت روشن‌تر، اگر نتیجه‌ی روش A مؤید نتیجه‌ای باشد که با روش B به دست می‌آید، می‌توان به نتیجه‌ی کسب شده اعتماد بیشتری داشت و اگر نتیجه‌ی روش A، متفاوت از نتیجه‌ی روش B باشد، پس یک یا هر دوی نتیجه‌ها اشتباه هستند.

بر این مبنای زمانی می‌توان مدعی شد A و B دو روش بررسی موضوع X هستند، که مفاد واحدی را بررسی کنند و نتایج هر یک بر دیگری اثرگذار باشد. این در صورتی است که، در مطالعه‌ی موضوعی بر اساس زمان یا بر اساس مصحف یا بر اساس تقسیم‌بندی ذهنی و ...، مفاد واحدی بررسی نمی‌شود، در هر یک از این روش‌ها، متن با ساختار متفاوتی تحلیل می‌شود و نتایج حاصل از آنها نتیجه‌ی دیگری را رد یا تأیید نمی‌کند، زیرا هر کدام پدیده‌های متفاوتی را بررسی می‌کنند. به عنوان شاهد مثال می‌توان به بخشی از مقاله‌ی "شبکه معنایی موضوعات قرآن کریم؛ معرفی شش رویکرد در تفسیر موضوعی قرآن کریم" اشاره کرد؛ در این پژوهش، آیات نماز به دو ترتیب نزول و مصحف بررسی شده و نتایج متفاوتی در هر یک حاصل شده است (ر.ک: خامه‌گر، ۱۳۸۹: ۲۵۳)، تفاوت نتیجه‌ی آنها هم، یکدیگر را نقض نمی‌کند، زیرا هر یک متنی با ساختار متفاوت را بررسی می‌کند.

با تأمل در مفاد مقالات موضوعی با رویکردهای مختلف می‌توان گفت: توجه به "زمان" محور یکی از مراحل مطالعه‌ی موضوعی است یا ابزاری است که یکی از جوانب موضوع را می‌کاود و سایر رویکردها، ابزارهایی هستند

که جوانب دیگر موضوع را می‌کاوند و اینها با یکدیگر هم‌پوشانی ندارند. به عبارت دیگر، یک مطالعه‌ی موضوعی^۱ برای اینکه بتواند ادعای «جامعیت» داشته باشد، نیاز به بازسازی چند مرحله‌ای یا چند جنبه دارد، به این صورت که: هر کدام از آیات که اجزای بحث را تشکیل می‌دهند، در سیاق خود آن بررسی می‌شود، تا دلالت‌های آیه بر حسب سیاق و ساختار خاص آن بخش، روشن شود. در این مرحله به قول سیدقطب تصویر النص‌های اختصاصی از هر جزء، در ذهن ایجاد می‌شود، در مرحله‌ی بعد آیات به حسب ترتیب نزول، در کنار هم چیده می‌شوند، با انجام این مرحله روشن می‌شود موضوع مورد بررسی، در اولین ترتیب خود چگونه توسعه یافته و بیانگر این است که تعامل قرآن با مخاطبان و یا حداقل مخاطبان نسل اول، در چه چارچوبی صورت پذیرفته است. در مرحله‌ی بعد و در صورت نیاز، مجدد آیات به ترتیب مصحف بازسازی می‌شود تا از قبل تفاوت‌های دو ساختار (نزولی و مصحف)، تفاوت‌های تعامل با نسل اول مخاطبان قرآن و نسل‌های بعدی روشن شود.

پس از بازسازی‌ها و بازنمایی‌های مراحل قبل، تصویری جامع از جوانب قرآنی موضوع، در ذهن ایجاد می‌شود، و بعد از آن می‌توان به شیوه‌ی ذهنی و منطقی خود یا در قالب هر الگوی تحلیلی، مطلب را در ساختاری مناسب ارائه کرد. دلیل تأخر این جنبه بر جوانب قبل این است، که محقق پس از طی مراحل قبل و با فهم ملاحظات قرآنی در باب موضوع، درک این را دارد که ساختاری متناقض با روح مضمون قرآنی، ارائه ندهد.

۲-۴. واکاوی دوم؛ چالش نگاه کلی به موضوع قرآنی

توجه به ترتیب زمانی در مطالعه‌ی موضوعی، علاوه بر روشن کردن تسلسل زمانی آیات، آینه‌ای از آیات مربوط به موضوع نیز ارائه می‌کند و این جزء ذاتی یک مطالعه‌ی موضوعی بر اساس زمان است و از آن جدا نمی‌شود، در حالیکه این امر در مطالعه‌ی موضوعی بر اساس تقسیم‌بندی الگویی، امر ثابتی نیست و بسته به نگرش نویسندگان، در هر مقاله، از سطوح متفاوتی برخوردار است. به عنوان مثال در مقاله‌ی «نشانه‌شناسی گفتمان ظن در قرآن کریم با تکیه بر الگوی مربع حقیقت نمایی» و «پی‌جویی مولفه‌های مفهوم جهانی حکمت در مفهوم قرآنی آن» تمام موارد و بلکه تمام ترکیب‌های مربوطه مورد بررسی قرار گرفته‌اند و از این لحاظ نقصی بدان‌ها وارد نیست.

در مقاله‌ی «پی‌جویی مولفه‌های مفهوم جهانی حکمت در مفهوم قرآنی آن»، پس از گردآوری تمام موارد، هر یک با توجه به مشخصه‌های خاص، در دسته‌بندی‌هایی جای گرفته‌اند، سپس اگر مقوله‌ای از «مفهوم جهانی حکمت» قریب به هر ترکیب قرآنی وجود داشت، در ذیل همان ترکیب بیان می‌شود، به عبارت دیگر برعکس روند بسیاری از مقالات، قرآن را اساس قرار داده، نمایی از قرآن ارائه کرده و سپس موارد مشابه از مفهوم جهانی را به تبع قرآن ذکر کرده است.

بررسی مقالات مستخرج نشان می‌دهد؛ تعداد قابل توجهی از مقالاتی که بر اساس تقسیم‌بندی الگویی، به مطالعه‌ی موضوعی پرداخته‌اند، صرفاً برخی از مثال‌های مربوط به موضوع را پژوهیده‌اند و از ارائه‌ی دید کلی به مخاطب ناتوان مانده‌اند و از موضوع‌کاوی به مثال‌کاوی تقلیل یافته‌اند. در این آثار، تمرکز بر حفظ نمای کلی و ساختار الگوی نقدی، مانع از آن شده که پژوهشگر بتواند نمای کلی متن قرآن را نیز ارائه کند، لذا بجای اینکه متن قرآن ثابت و الگوی تحلیلی بر آن تطبیق شود، الگو ثابت بوده و متن قرآن در قالب آن درآمده است.

۳-۴. واکاوی سوم؛ چالش الگوها

همانطور که پیشتر آمد، عدم توجه به ترتیب زمانی در مطالعات موضوعی، در صحت نتیجه، تاثیر مبنایی ندارد، ولی برخی الگوهای انتخابی در پژوهش، ارتباط تنگاتنگی با مقوله‌ی زمان و ترتیب دارد؛ یکی از آنها عناوین مرتبط با «تطور، توسعه و روند» است، در صورت حضور چنین اصطلاحاتی در عنوان مقاله، پژوهشگر ضرورتاً باید به ترتیب زمانی توجه کند، تا بتواند بر نتایج بدست آمده، تکیه کند.

با بررسی مقالات استخراج شده، به عناوین مشابهی برخورد کردیم، مثل «تطور معنایی واژه نفس» و «توسیع و استعاره در روند تحول معنایی واژگان قرآن کریم»؛ کلیدواژه‌هایی همچون روند و تطور، ملازم با زمان و ترتیب هستند، ضروری است نقطه‌ی ابتدا، میانه و انتها در چنین پژوهش‌هایی مشخص باشد، چگونه می‌توان ملاحظه‌ی زمانی نداشت ولی تطور و روند یک امر را مشخص کرد؟ در واقع بررسی دلالت‌های معنایی یک واژه بدون توجه به ترتیب و زمان، بررسی "انواع" دلالت‌های واژه است، نه "روند" و "تطور" آن.

از دیگر الگوهای مرتبط با زمان، الگوهایی است که موقعیت، نقش مهمی در آنها ایفا می‌کند؛ کلیدواژه‌هایی همچون موقعیت (فرهنگی اجتماعی)/بافت/زمینه/نقش ارجاعی، مقولاتی هستند که زمان و ترتیب را در کنار خود دارند، توجه به زمینه‌ی متن در واقع توجه به زمان متن نیز هست، بدون توجه به زمان متن، چگونه می‌توانیم زمینه، موقعیت اجتماعی و نقش ارجاعی آن را دریابیم؟ اگر در الگوی نقدی مقاله‌ای، "موقعیت" با عنوان یک نقش ارجاعی مطرح می‌شود، پژوهشگر نباید به آنچه که در متن موجود است، اکتفا کند، اگر هم قرار است فقط به متن اکتفا کند، حداقل بحث این است که آیات مربوط به موضوع را با ترتیب زمانی کنار هم بگذارد تا روشن شود جمله‌ی B، جمله‌ی A را در زمینه‌ی خود دارد.

نتیجه

در پژوهش حاضر، جایگاه مقوله‌ی زمان و ترتیب قرآنی در مطالعات داستانی و موضوعی با شیوه‌ی فراتحلیل بررسی شد. واکاوی مقالات مستخرج نشان داد، اغلب پژوهشگران به ترتیب زمانی آیات، توجهی نداشته‌اند، از همین‌رو، چالش‌هایی را متوجه آثار خود کرده‌اند.

در نهایت ملاحظه شد، بی‌توجهی به زمان در مقالات داستانی، موجب نقص مبنایی در پژوهش‌ها شده و در موارد بسیاری بر دقت نتایج تأثیرگذار بوده است و چهار چالش در این پژوهش‌ها شناسایی شد که عبارتند از:

- ابداع قرآنی و اعجازی که در ترکیب آن نهفته است، نادیده گرفته می‌شود.
- توجه به زمان، ضرورت برخی الگوهای تحلیلی بوده و نبود آن موجب نقص در تطبیق الگو شده است.
- بی‌توجهی به ترتیب زمانی، به معنای شکستن و پس و پیش ساختن اجزای ساختار داستان قرآنی در قالب یک الگوی جدید است.
- قرآن با هدف هنرورزی، از داستان استفاده نکرده است، پراکندن ساختار داستان قرآنی، به مسلخ بردن غرض قرآنی است.
- در واکاوی زمان در مقالات موضوعی، نیز سه ملاحظه شناسایی شد؛
- چالش تلقی زمان به مثابه‌ی یکی از ابزارهای موازی، بجای تلقی آن به عنوان ابزار مطالعه‌ی یکی از جوانب یا مراحل موضوع.
- چالش پدیده‌ی مثال‌کاوی بجای متن‌کاوی.
- چالش در تطبیق برخی الگوهای تحلیلی.

پی‌نوشت:

۱- شایان ذکر است که استخراج مقالات از این قاعده پیروی کرده است: ۱- مقالاتی که موضوع X را در کل قرآن مورد بررسی قرار داده‌اند.
۲- مقالاتی که داستان Y را در کل قرآن، تحلیل کرده‌اند. از همین‌رو مقالاتی که موضوع یا داستانی را در یک سوره خاص تحلیل کرده بودند، در لیست مقالات استخراج شده، قرار نگرفتند.

۲- دعوت در مکه از حدود "انذار" تجاوز نکرده است، انذار به نزاع مفاهیم فکری قدیم با مفاهیم جدید برمی‌گردد، "انذار" به مثابه‌ی تحریک هشیاری برای درک فساد واقعیت و اقدام به تغییر آن است. (ر.ک: ابوزید، ۲۰۱۴: ص ۷۷) انتقال به مدینه، "وحی" را به "رسالت" تبدیل کرد؛ رسالت به معنای بنای ایدئولوژیک جامعه جدید هست، و این موضوعی نیست که به یکباره اتفاق بیوفتد و این مرحله از زمانی آغاز شد که پیامبر کاروان حج یثرب روبرو شد و با آنان پیمان بست و از اینجا تحولی جدید در تاریخ دعوت و حرکت متن آغاز شد. (ر.ک: ابوزید، ۲۰۱۴: ص ۷۷)

۳- جابری، از چند روایت ترتیب نزول نام می‌برد: ترتیب منسوب به جابر بن زید، ترتیب بیهقی به نقل از عکرمه و حسین بن ابی الحسن روایت ابن عباس، روایت سیوطی، روایت زرکشی و روایت ابوالقاسم بن عبدالکافی. (ر.ک: جابری، ۲۰۰۶، ص ۲۳۹)

۴ - منتشر شده در نشریه معرفت ادیان شماره پیاپی ۱۸.

۵ - منتشر شده در نشریه چند زبانه pure life شماره دوره دوم شماره دوم.

۶ - البته برخی قصص در قرآن هست در عهدین نیست و بالعکس ولی در اینجا این جزئیات مورد بحث ما نیست.

۷ - برای مطالعه‌ی تمام آیات مربوط به تحدی، ر.ک: دوگانی و سایرین، ۱۴۰۰، ص ۱۰-۱۱

۸ - البته بجز مواردی که مربوط به دعوت محمدی است.

۹ - مقصود از شیوه‌ی الگویی، همان است که پژوهشگر بر اساس یک الگو و تقسیم‌بندی ذهنی یا یک الگوی نقدی به بررسی یک موضوع در قرآن می‌پردازد.

۱۰ - این مطالب مربوط به پژوهش‌هایی است که در حوزه‌ی ادب و ادبیات می‌گنجد، مطالعات سایر مجال‌ها، همچون فقه مد نظر این پژوهش نیست.

۱۱ - این مرحله منوط به پذیرش این فرضیه است که مصحف، با ترتیب مدنظر حضرت رسول -صلی الله علیه وآله- چیده شده است.

۵. کتابنامه

- ۱- ابوزید، حامد نصر. (۲۰۱۴). مفهوم النص. الطبعة الأولى، بیروت/مغرب: المركز الثقافی العربی.
- ۲- جابری، محمدعابد. (۲۰۰۶). مدخل الى القرآن الکریم. الطبعة الأولى، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة.
- ۳- حبنکه الميدانی، عبدالرحمن حسن. (۱۴۲۰). معارج التفكير ودقائق التدبر. دمشق: دارالقلم.
- ۴- _____ (۱۴۳۰). قواعد التدبر الأمثل لكتاب الله عز و جل. دمشق: دارالقلم.
- ۵- زمانی، محمدحسن. (۱۳۸۷). مستشرقان و قرآن. تهران: بوستان کتاب.
- ۶- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۶۱). قرآن در اسلام. بی جا: چاپ سوم، بنیاد علوم اسلامی.
- ۷- عزة دروزة، محمد. (۱۳۸۳). التفسیر الحديث. قاهره: دار إحياء الكتب العربیة.
- ۸- قطب، سید. (۲۰۰۴). التصوير الفني فی القرآن. مصر، قاهره: دارالشروق.
- ۹- ابراهیمی، ابراهیم، علیرضا طبیبی، فاطمه دسترنج، ملیحه رضانی، (۱۳۹۸). «برسی زبان شناختی روش کاربست ترادف در قرآن (با محوریت آراء علامه طباطبایی)»، پژوهش های ادبی قرآنی، دوره ۷، شماره ۲، صص ۱-۱۷.
[dor: 20.1001.1.23452234.1398.7.2.1.1](https://doi.org/10.1001.1.23452234.1398.7.2.1.1)
- ۱۰- احمدی نرگسه، رحیم، بهمن گرجیان، محمود نقی زاده، سیدحسام الدین حسینی. (۱۳۹۷). «کارگفت های ترغیبی در قرآن کریم»، پژوهش های ادبی قرآنی، دوره ۶، شماره ۲، صص ۲۱-۳۵.
[dor: 20.1001.1.23452234.1397.6.2.2.5](https://doi.org/10.1001.1.23452234.1397.6.2.2.5)
- ۱۱- اشرفی، بتول، گیتی تاکي. (۱۳۹۷). «الگوی شخصیت پردازی داستان های پیامبران الهی در قرآن کریم، بر مبنای دیدگاه ریمون-کنان»، پژوهش های ادبی قرآنی، دوره ۶، شماره ۳، صص ۱-۲۸.
[dor: 20.1001.1.23452234.1397.6.3.1.6](https://doi.org/10.1001.1.23452234.1397.6.3.1.6)
- ۱۲- اقارب پرست، فاطمه سعیده، مهدی مطیع. (۱۳۹۷). «تحلیل داستان یوسف (ع) بر پایه روایت شناسی (با تکیه بر نظریه ژپ لیت ولت)»، پژوهش های ادبی قرآنی، دوره ۶، شماره ۳، صص ۲۹-۵۰.
[dor: 20.1001.1.23452234.1397.6.3.2.7](https://doi.org/10.1001.1.23452234.1397.6.3.2.7)
- ۱۳- اقبال، عباس؛ روح الله صیادی نژاد، محمدحسین فاضلی. (۱۳۹۷). «التفات، عنصری انسجام بخش در قرآن؛ مطالعه ی موردپژوهانه: چهار سوره مکی و مدنی»، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۴۸، صص ۵۹-۸۲.
[dor: 20.1001.1.23456361.2018.14.48.4.2](https://doi.org/10.1001.1.23456361.2018.14.48.4.2)
- ۱۴- امینی، فریده، فتحیه فتاحی زاده. (۱۳۹۸). «بازخوانی مفهوم «القیامه» در پرتو مطالعات شناختی و تاریخی»، مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، دوره ۳، شماره ۴، صص ۲۳-۴۳.
- ۱۵- بادینده، هاله، سیدابراهیم دیباجی، غلامعباس رضایی هفتادر. (۱۳۹۸). «نشانه شناسی گفتمان «ظن» در قرآن کریم با تکیه بر الگوی مربع حقیقت نمایی»، مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، دوره ۳، شماره ۲، صص ۱-۲۹.
- ۱۶- بخشی، مریم. (۱۳۹۸). «مرزشکنی روایی در روایت های قرآنی»، آموزه های قرآنی، دوره ۱۶، شماره ۳۰، صص ۱۰۷-۱۳۰.

۱۷- بهشتی پور، فاطمه، علیرضا نظری. (۱۴۳۸.ه.ق). «مقایسهٔ اسلوبی بین السور المکیه والمدنیه فی تنوع المفردات فی ضوء نظریهٔ جونسون؛ سورتی طه والنور نمودجین»، *آفاق الحضاره الاسلامیه، السنه العشرون، العدد الأول،* صص ۱۹-۴۱. شناسه ملی: JR_AFAGH-20-1_002

۱۸- توکل نیا، مریم، ولی الله حسومی. (۱۳۹۷). «بررسی شبکه معنایی حرف جرّ «علی» در قرآن با رویکرد شناختی»، *آموزه های قرآنی*، شماره ۲۸، صص ۲۰۳-۲۲۸.

۱۹- حجازی، سیده شیرین، پروین بهارزاده، آزاده افراشی. (۱۳۹۷). «تحلیل شناختی استعاره های مفهومی حرکت در قرآن کریم»، *مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی*، دوره ۲، شماره ۳، صص ۱-۲۱.

۲۰- حسینی معصوم، سیدمحمد، عبدالله رادمرد. (۱۳۹۴). «تاثیر بافت زمانی-مکانی بر تحلیل کنش گفتار؛ مقایسه فراوانی انواع کنش های گفتار در سوره های مکی و مدنی قرآن کریم»، *دو ماهنامه جستارهای زبانی*، د ۶، ش ۳ (پیاپی ۲۴)، صص ۶۵-۹۲.

۲۱- خامه گر، محمد. (۱۳۸۹). «شبکه معنایی موضوعات قرآن؛ معرفی شش رویکرد در تفسیر موضوعی»، *پژوهش های قرآنی*، سال شانزدهم، شماره ۶۲-۶۳، صص ۲۳۶-۲۷۱.

۲۲- خوش منش، ابوالفضل. (۱۳۹۷). «جنس حروف قرآن و ارتباط آن با معنا»، *آموزه های قرآنی*، شماره ۲۸، صص ۱۳۳-۱۶۰.

دریس، فاطمه، الخاص ویسی، بهمن گرجیان، ساسان شرفی. (۱۳۹۸). «بررسی تطبیقی رویکرد معناشناختی مفسرین و رویکرد زبان شناسی شناختی در درک آیات مرتبط با سوره های مکی و مدنی»، *فصلنامه پژوهش های ادبی-قرآنی*، سال هفتم، شماره دوم، صص ۶۷-۹۱. [doi: 20.1001.1.23452234.1398.7.2.4.4](https://doi.org/10.1001.1.23452234.1398.7.2.4.4)

۲۳- دوگانی، شادی، اعظم استاجی، سیدحسین سیدی. (۱۴۰۰). «بررسی استدلال تحدی در چارچوب نظریه استدلال-ورزی»، *زبان و ادبیات عربی*، دوره سیزدهم، شماره ۲، صص ۱-۲۱. [doi: 10.22067/jallv13.i2.82099](https://doi.org/10.22067/jallv13.i2.82099)

۲۴- دهقان، علی، کاوس روحی، احمد پاکتچی، خلیل پروینی. (۱۳۹۷). «پی جویی مؤلفه های مفهوم جهانی حکمت در مفهوم قرآنی آن»، *کتاب قیم*، دوره ۸، شماره ۱۸، صص ۷-۳۰.

۲۵- ذکایی، حسین، مراد باقرزاده کسمانی، لیلا اردبیلی. (۱۳۹۸). «بررسی استعاره ی جهتی واژه ی حیوة در قرآن، بر اساس نظریه ی استعاره ی مفهومی»، *مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی*، دوره ۳، شماره ۴، صص ۴۵-۶۹. شناسه ملی: JR_QUIHCS-3-4_003

۲۶- ذوالفقاری، محسن، فاطمه دسترنج. (۱۳۹۸). «بررسی آیات «تحدی» براساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی «نورمن فرکلاف»»، *پژوهش های ادبی قرآنی*، دوره ۷، شماره ۳، صص ۱۶۳-۱۷۹.

[doi: 20.1001.1.23452234.1398.7.3.7.9](https://doi.org/10.1001.1.23452234.1398.7.3.7.9)

۲۷- رحیملو، عباس، سیدمحمد طیب حسینی. (۱۳۹۸)، «بازکاوی آرایه مشاکله و نقش شناخت آن در تفسیر قرآن»، *پژوهش های ادبی قرآنی*، دوره ۷، شماره ۱، صص ۵۹-۸۳.

[doi: 20.1001.1.23452234.1398.7.1.3.1](https://doi.org/10.1001.1.23452234.1398.7.1.3.1)

۲۸- رحیملو، عباس، سیدمحمد طیب حسینی. علی فتحی. (۱۳۹۸). «فرآیندشناسی شگرد ادبی "تهکم" و نقش شناخت آن در تفسیر قرآن»، *مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی*، دوره ۳، شماره ۴، صص ۷۱-۹۳.

۲۹- رثوف، سیدحمیدرضا، زهره قادری. (۱۳۹۷). «تطور معنایی واژه‌ی نفس و رویکرد علامه به این واژه در قرآن»،

مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، دوره ۲، شماره ۲، صص ۶۷-۴۵. شناسه ملی: JR_QUIHCS-2-2_004

۳۰- سلطانی، فاطمه. (۱۳۹۷). «تحلیل داستان های قرآنی براساس نظریه کنشی گریماس»، پژوهش های ادبی قرآنی، دوره

۶، شماره ۲، صص ۵۶-۳۶. [dor: 20.1001.1.23452234.1397.6.2.3.6](https://doi.org/10.1001.1.23452234.1397.6.2.3.6)

31- سلیمی، زهرا، سیدمحمد میرحسینی، احمد پاشازانوس، عبدالعلی آل بویه لنگرودی. (۱۳۹۷). «توسیع و استعاره در

روند تحول معنایی واژگان قرآن کریم (با تاکید بر آراء علامه طباطبایی)»، پژوهش های ادبی قرآنی، دوره ۶، شماره ۳،

صص ۹۵-۷۱. [dor: 20.1001.1.23452234.1397.6.3.4.9](https://doi.org/20.1001.1.23452234.1397.6.3.4.9)

۳۲- شمالی، علیرضا، سیدعلی اکبر ربیع نتاج، محسن نورایی. (۱۳۹۸). «بررسی تأثیر بلاغت بر انتقال پیام در داستان بنی

اسرائیل در قرآن»، آموزه های قرآنی، دوره ۱۶، شماره ۲۸، صص ۲۵۳-۲۲۹.

۳۳- صادقی، عمادحسین غلویمهر، سیدعلی میرآفتاب، حسن رضایی هفتادر. (۱۳۹۸). «تحلیل مبانی زبان تمثیلی قرآن»،

پژوهش های ادبی قرآنی، دوره ۷، شماره ۱، صص ۸۳-۱۰۷. [dor: 20.1001.1.23452234.1398.7.1.4.2](https://doi.org/20.1001.1.23452234.1398.7.1.4.2)

۳۴- عبدی، مالک، یوسف طاهری، نجمه محیایی. (۱۳۹۶). «بررسی نظام طرح داستان حضرت ابراهیم (ع) در قرآن کریم؛

با تکیه بر نظریه ی پیرنگ لاری وای»، مجله زبان و ادبیات عربی، شماره هفدهم، صص ۱۵۷-۱۷۲. [doi: 10.22067/jall.v8i17.54269](https://doi.org/10.22067/jall.v8i17.54269)

۳۵- عقبه، بگم، حامد خانی، ارسطو میرانی. (۱۳۹۷). «کارکرد قلب در قرآن کریم»، مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، دوره

۲، شماره ۴، صص ۲۲-۱.

۳۶- علوی، سیدمحمدعلی، محمدصادق جمشیدی زاده، محمدعلی لسانی فشارکی، محمدحسن صانع پور. (۱۳۹۷).

«رفتارسازی زبان؛ رویکردی قرآنی»، کتاب قیم، دوره ۸، شماره ۱۹، صص ۱۴۳-۱۷۰. JR_KGY-8-19_006

۳۷- فعال عراقی نژاد، حسین، سهیلا موسوی سیرجانی. (۱۳۹۷). «شکل ها و شیوه های شروع داستان ها در قرآن»، پژوهش-

های ادبی قرآنی، دوره ۶، شماره ۴، صص ۱۶۷-۱۴۳. [dor: 20.1001.1.23452234.1397.6.4.7.4](https://doi.org/20.1001.1.23452234.1397.6.4.7.4)

۳۸- قرائی سلطان آبادی، احمد. (۱۳۹۷). «بررسی آموزه تحدی قرآن با حوزه مطالعات نشانه شناسی متن»، مطالعات قرآنی

و فرهنگ اسلامی، دوره ۲، شماره ۱، صص ۹۶-۷۷. شناسه ملی: JR_QUIHCS-2-1_004

۳۹- مجیدی، حسن، مهدی برزگر. (۱۳۹۸). «بررسی فنی «حسن ابتدا» و «براعت استهلال» و «حسن ختام» در قصه های

قرآن (موردپژوهانه، داستان حضرت موسی و یوسف (علیهما السلام))»، پژوهش های ادبی قرآنی، دوره ۷، شماره ۳،

صص ۸۲-۵۱. [dor: 20.1001.1.23452234.1398.7.3.3.5](https://doi.org/20.1001.1.23452234.1398.7.3.3.5)

۴۰- محسنی، حسین، افسون رزمی. (۱۳۹۸). «بررسی کاربست عوامل هفتگانه متنوارگی دی بوگراند در توسعه دلالتی در

قرآن کریم»، پژوهش های ادبی قرآنی، دوره ۷، شماره ۴، صص ۱۰۷-۱۳۶.

[dor: 20.1001.1.23452234.1398.7.4.5.9](https://doi.org/20.1001.1.23452234.1398.7.4.5.9)

۴۱- محمص، مرضیه، فاطمه اکبری زاده. (۱۳۹۸). «گونه های سکوت گفتمانی در قصه مریم (س)»، مطالعات قرآنی و

فرهنگ اسلامی، دوره ۳، شماره ۱، صص ۱۴۷-۱۲۹. شناسه ملی: JR_QUIHCS-3-1_006

۴۲- محمدی نژاد، مهدی. (۱۳۹۷). «بررسی سبک قرآن کریم در چینش ثابت واژگان»، پژوهش‌های ادبی قرآنی، دوره ۶،

شماره ۱، صص ۹۵-۱۱۴. شناسه ملی: JR_PAQ-6-1_005

۴۳- محمدی، مجید، رحیم سرخی. (۱۳۹۸). «واکاوی کنش عاطفی در داستان‌های قرآنی با تأکید بر نظریه کنش منظوری

سرل»، مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، دوره ۳، شماره ۴، صص ۱۱۵-۱۳۱. شناسه ملی: JR_QUIHCS-3-

4_006

۴۴- مرسلی، نوش آفرین، حسین مهتدی، سیدحیدر فرع شیرازی. (۱۳۹۷). «معنا شناسی واژه «عذاب» در قرآن کریم با

تکیه بر روابط هم نشینی و جانشینی»، پژوهش‌های ادبی قرآنی، دوره ۶، شماره ۳، صص ۱۵۵-۱۸۵.

dor: [20.1001.1.23452234.1397.6.3.7.2](https://doi.org/10.21001.1.23452234.1397.6.3.7.2)

۴۵- مشکین فام، بتول، سهیلا جلالی کندری، مریم ولایتی. (۱۳۹۵). «قاعده تصویرپردازی هنری سیدقطب به تفکیک سوره-

های مکی و مدنی»، مجله آموزه‌های قرآنی، شماره ۲۳، صص ۱۲۹-۱۴۹.

۴۶- ملک‌لو، صدیقه، نصرت نیل‌ساز، مهرداد عباسی، خلیل پروینی. (۱۳۹۷). «تحلیل انتقادی برخی خاورشناسان درباره‌ی

تفاوت چهره ابراهیم و اسماعیل در سوره مکی و مدنی»، مجله مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، سال دوم، شماره

اول، صص ۹۷-۱۱۸. شناسه ملی: JR_QUIHCS-2-1_005

۴۷- مولایی نیا، عزت اله، علی احمد ناصح، حسین تک‌تبارفیروزجایی، علی سلگی. (۱۳۹۸). «بررسی و تحلیل صنعت

تشخیص در قرآن کریم»، پژوهش‌های ادبی قرآنی، دوره ۷، شماره ۴، صص ۱۷۳-۱۹۹.

dor: [20.1001.1.23452234.1398.7.4.7.1](https://doi.org/10.21001.1.23452234.1398.7.4.7.1)

۴۸- نعمتی پیرعلی، دل آرا. (۱۳۹۸). «بررسی ادبی داستان طالوت در قرآن کریم»، کتاب قیم، دوره ۹، شماره ۲۱، صص

۱۴۴-۱۲۱. شناسه ملی: JR_KGY-8-21_005

۴۹- نقیب، سیدمحمد. (۱۳۹۸). «کاربست های تاریخ در قرآن کریم»، مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، دوره ۳، شماره

۳، صص ۱۰۹-۱۳۴. شناسه ملی: JR_QUIHCS-3-3_006

۵۰- یعقوبی، روح اله، عالیہ کردزغفرانلو کامبوزیا. (۱۳۹۷). «تحلیل زبان شناختی واژه های «حمد» و «شکر» در آیات قرآن

کریم بر پایه الگوی ارتباطی یاکوبسن و رده بندی کولماس»، پژوهش‌های ادبی قرآنی، دوره ۶، شماره ۱، صص ۲۳-

۴۲. dor: [20.1001.1.23452234.1397.6.1.2.3](https://doi.org/10.21001.1.23452234.1397.6.1.2.3)

ترجمه انگلیسی منابع

1. Abdi, M; Taheri, U; Mahyayi, N. (2018), "A study of the storytelling system of Prophet Ibrahim (AS) in the Holy Quran; Relying on Larry Way's plot theory", *Arabic language and literature*, Volume 17, pp. 157-172. [In Persian].
2. Abu Zayd, HN. (2014), *The concept of text*, first edition, Arab Cultural Center, Beirut / Maghrib. [In Arabic].
3. Ahmadi, N; Gorjian, R; Naghizadeh, B; Hosseini, M. (2018), "Persuasive Discourses in the Holy Quran", *Quranic Literary Research*, Volume 6, Number 2, pp. 21-35. [In Persian].
4. Alavi, SMA, Jamshidizad, MS; Lisani Fesharaki, MA; Sanei-Pour, MH. (2018), "Language Behavior: Quranic approach", *Book of Guardian*, Volume 8, Number 19, pp. 143-170. [In Persian].

5. Amini, F; Fattahizadeh, F. (2019), "Re-reading the concept of "Resurrection" in the light of cognitive and historical studies", *Quranic studies and Islamic culture*, Volume 3, Number 4, pp. 23-43. [In Persian].
6. Aqaba, B; Khani, H, Mirani, A. (2018), "The Function of the Heart in the Holy Quran", *Quranic Studies and Islamic Culture*, Volume 2, Number 4, pp. 1-22. [In Persian].
7. Ashrafi, B; Taki, G. (2018), "The model of characterization of the stories of divine prophets in the Holy Quran, based on the view of Raymond-Kenan", *Quranic literary research*, Volume 6, Number 3, pp. 1-28. [In Persian].
8. Badindeh, H; Dibaji, SI; Rezaei Haftader, Gh. (2019), "The semiotics of the discourse of "suspicion" in the Holy Quran based on the square pattern of realism", *Quranic studies and Islamic culture*, Volume 3, Number 2, p. -29. [In Persian].
9. Bakhshi, M. (2019), "Narrative Border Breaking in Quranic Narrations", *Quranic Teachings*, Volume 16, Number 30, pp. 107-130. [In Persian].
10. Beheshtipour, F; Nazari, A. (2017), "Comparison of the style between the Meccan and civilized walls in the variety of terms in the field of Johnson theory; Sorti Taha wal-Noor Namuzjin", *Afaq al-Hadhara al-Islamiyyah*, Sunnah al-Ashrun, first number, pp. 19-41. [In Arabic].
11. Dehghan, A; Rouhi, K; Paktachi, A; Parvini, Kh. (2018), "Searching for the components of the universal concept of wisdom in its Quranic concept", *Book of Guardian*, Volume 8, Number 18, pp. 7-30. [In Persian].
12. Doogani, Sh; Estaji, A; Seyedi, SH. (2021), "Investigation of challenging argument in the framework of reasoning theory", *Arabic language and literature*, Volume thirteen, Number 2, pp. 1-21. [In Persian].
13. Driss, F; Georgian, B; Sharafi, S. (2019), "A Comparative Study of the Semantic Approach of the Commentators and the Cognitive Linguistics Approach in Understanding the Verses Related to the as Maki Madani", *Quarterly Journal of Literary-Quranic Research*, Year 7, Number 2, pp. 67-91. [In Persian].
14. Ebrahimi, E; Tabibi, A; Dastranj, F; Ramezani, M (2019), "Linguistic study of the method of using synonyms in the Qur'an (focusing on the views of Allameh Tabatabai)", *Quranic Literary Research*, Volume 7, Number 2, pp. 1-17. [In Persian].
15. Eghbali, A; Fazeli, M. (2018), "Al-Tafat, a cohesive element in the Qur'an; Case Study: Four Surahs of Maki and Madani", *Journal of the Iranian Association of Arabic Language and Literature*, No. 48, pp. 59-82. [In Persian].
16. al-Maidani, H; Hassan, A. (1999), *Ma'arij al-Tafkar wa Daqaiq al-Tadbar*, Damascus, Dar al-Qalam. [In Arabic].
17. -, (2009), *rules of contemplation like the book of God Almighty*, Damascus, Dar al-Qalam. [In Arabic].
18. Hejazi, SSH; Baharzadeh, P; Afrashi, A. (2018), "Cognitive Analysis of Conceptual Metaphors of Movement in the Holy Quran", *Quranic Studies and Islamic Culture*, Volume 2, Number 3, pp. 1-21. [In Persian].
19. Hosseini, M; Radmard, A. (2015), "The effect of temporal-spatial context on speech action analysis; Comparison of the frequency of different types of speech actions in the Meccan and civil chapters of the Holy Quran", *Bimonthly of Linguistic Essays*, Vol. 6, No. 3 (24), pp. 65-92. [In Persian].
20. Faal Iraqi, H; Mousavi Sirjani, S. (2018), "Forms and methods of starting stories in the Qur'an", *Quranic Literary Research*, Volume 6, Number 4, pp. 143-167. [In Persian].
21. Izza Druze, M. (2004), *Al-Tafsir Al-Hadith*, Cairo, Dar Al-Ihya Al-Kitab Al-Arabiya. [In Arabic].
22. Jaberi, MA. (2006), *Introduction to the Holy Quran*, First Edition, Center for Arab Studies, Beirut. [In Arabic].

23. Khomehgar, M. (2010), "The Semantic Network of Quranic Subjects; Introduction of Six Approaches in Thematic Interpretation", *Quranic Studies*, Year 16, No. 62-63, pp. 236-271. [In Persian].
24. Khoshmanesh, A. (2018), "The gender of the letters of the Qur'an and its relationship with meaning", *Qur'anic teachings*, No. 28, pp. 133-160. [In Persian].
25. Majidi, H; Barzegar, M. (2019), "Technical study of "Hassan Nizat", "Barat Istihlal" and "Hassan Khatam" in the stories of the Qur'an", *Quranic Literary Studies*, Volume 7, Number 3, pp. 51-82. [In Persian].
26. Malkulu, S; Nilsaz, N; Abbasi, M; Parvini, Kh. (2018), "Critical analysis of some orientalist about the difference between the faces of Ibrahim and Ismail in Sur Maki and Madani", *Journal of Quranic Studies and Islamic Culture*, second year, first issue, pp. 97-118. [In Persian].
27. Meshkinfam, B; Jalali Kondari, S; Velayati, M. (2016), "The Rule of Artistic Illustration of Sayyid Qutb by Meccan and Civil Surahs", *Journal of Quranic Teachings*, No. 23, pp. 129-149. [In Persian].
28. Mohammadi, M; Sorkhi, R. (2019), "Analysis of Emotional Action in Quranic Stories with Emphasis on Searle's Theory of Purposeful Action", *Quranic Studies and Islamic Culture*, Volume 3, Number 4, pp. 115-131. [In Persian].
29. Mohammadinejad, M. (2018), "A study of the style of the Holy Quran in the fixed arrangement of words", *Quranic Literary Research*, Volume 6, Number 1, pp. 95-114. [In Persian].
30. Mohasses, M; Akbarizadeh, F. (2019), "Types of Discourse Silence in the Story of Maryam", *Quranic Studies and Islamic Culture*, Volume 3, Number 1, pp. 129-1. [In Persian].
31. Mohseni, H; Razmi, A. (2019), "The Application of the Seven Factors of De Bogrand Diversity in the Development of Meaning in the Holy Quran", *Quranic Literary Research*, Volume 7, Number 4, pp. 107-136. [In Persian].
32. Molaeinia, E; Naseh, AA; Takhtbar Firoozjaei, H; Solgi, A. (2019), "Study and Analysis of the Diagnosis Industry in the Holy Quran", *Quranic Literary Research*, Volume 7, Number 4, pp. 173 -199. [In Persian].
33. Morsali, N; Mohtadi, H; Fara Shirazi, SH. (2018), "The semantics of the word "torment" in the Holy Quran based on the relations of coexistence and succession", *Quranic Literary Research*, Volume 6, Number 3, Pp. 155-185. [In Persian].
34. Naqib, SM. (2019), "Applications of History in the Holy Quran", *Quranic Studies and Islamic Culture*, Volume 3, Number 3, pp. 109-134. [In Persian].
35. Nemati Pir Ali, DA. (2019), "Literary study of the story of Talut in the Holy Quran", *Book of Guardian*, Volume 9, Number 21, pp. 121-144. [In Persian].
36. Qaraei Sultanabadi, A. (2018), "A Study of the Challenging Doctrine of the Qur'an with the Field of Text Semiotics Studies", *Quranic Studies and Islamic Culture*, Volume 2, Number 1, pp. 77-96. [In Persian].
37. Qutb, S. (2004), *The artistic image in the Qur'an*, Egypt, Cairo, Dar al-Shorouk. [In Arabic].
38. Rahimloo, A; Tayeb Hosseini, SM. (2019), "Reviewing the Array of Problems and the Role of Cognition in the Interpretation of the Qur'an", *Quranic Literary Research*, Volume 7, Number 1, pp. 59-83. [In Persian].
39. Rahimloo, A; Tayeb Hosseini, SM; Fathi, A. (2019), "Processology of the literary technique "Tahkam" and the role of cognition in the interpretation of the Qur'an", *Qur'anic studies and Islamic culture*, Volume 3, Number 4, pp. 71-93. [In Persian].
40. Raouf, SHR; Qaderi, Z. (2018), "Semantic evolution of the word Nafs and Allameh's approach to this word in the Qur'an", *Quranic Studies and Islamic Culture*, Volume 2, Number 2, pp. 45-67. [In Persian].
41. Agharebparast, FS; Motye, M. (2015), "Analysis of the story of Yusuf (AS) based on narratology (based on Jep Lint-Volt theory)", *Quranic Literary Research*, Volume 6, Number 3, p. 29 -50. [In Persian].

42. Sadeghi, E; Alavimehr, H; Mir Aftab, SA; Rezaei Haftader, H. (2019), "Analysis of the Principles of Allegorical Quran Language", *Quranic Literary Research*, Volume 7, Number 1, pp. 83-107. [In Persian].
43. Salimi, Z; Mir Hosseini, SM; Pashazanus, A; Al-Bouyeh Langroudi, A. (2018), "Expansion and metaphor in the process of semantic evolution of the words of the Holy Quran (with emphasis on the views of Allameh Tabatabai)", *Quranic Literary Research*, Volume 6 , No. 3, pp. 71-95. [In Persian].
44. Shomali, A; Rabi Nataj, SAA; Nouraei, M. (2019), "The study of the effect of rhetoric on the transmission of the message in the story of the children of Israel in the Qur'an", *Quranic teachings*, Volume 16, Number 28, pp. 229-253. [In Persian].
45. Soltani, F; (2018), "Analysis of Quranic stories based on Grimas action theory", *Quranic literary research*, Volume 6, Number 2, pp. 36-56. [In Persian].
46. Tabatabai, MH. (1982), *Quran in Islam*, Bija, third edition, Islamic Sciences Foundation. [In Persian].
47. Tavakolnia, M; Hassumi, V. (2018), "A study of the semantic network of the letter "Ali" in the Qur'an with a cognitive approach", *Quranic teachings*, No. 28, pp. 203-228. [In Persian].
48. Yaghoubi, R; Kurd afronlo kambozia, A. (2018), "Linguistic analysis of the words "praise" and "thanksgiving" in the verses of the Holy Quran based on Jacobsen's communication model and Colmas classification", *Quranic Literary Research*, Volume 6, No. 1, pp. 23-42. [In Persian].
49. Zakai, H; Baqerzadeh Kasmani, M; Ardabili, L. (2019), "A study of the directional metaphor of the word "animal" in the Qur'an, based on the theory of conceptual metaphor", *Qur'anic studies and Islamic culture*, Volume 3, Number 4, pp. 45-69. [In Persian].
50. Zamani, M. (2008), *Orientalists and Quran*, Tehran, Book Garden. [In Persian].
51. Zolfaghari, M; Dastranj, F. (2019), "A Study of the Verses of "Challenge" Based on the Theory of Critical Discourse Analysis by "Norman Fairclough"", *Quranic Literary Research*, Volume 7, Number 3, pp. 163-179. [In Persian].